

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیست و سوم، شماره نود و دوم

زمستان ۱۴۰۱

بررسی الگوی تصمیم‌گیری حضرت علی علیه السلام در شورای شش نفره

با تمرکز بر نظریه تصمیم‌گیری سایمون

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۸/۱۲

تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۲/۱۲

مریم توکل‌نیا^۱

حسن زارعی محمودآبادی^۲

پس از کشته شدن خلیفه دوم، بر پایه پیشنهاد قبلی او، انتخاب خلیفه بر عهده یک شورای شش نفره قرار گرفت. یکی از شاخص‌ترین اعضای این شورا حضرت علی علیه السلام بود که دیدگاه ایشان تأثیر تعیین‌کننده‌ای در تصمیم شورا داشت. این مقاله به دنبال ارائه مدلی برای تبیین تصمیم‌گیری امام علی علیه السلام در شورای شش نفره در قالب نظریه تصمیم‌گیری سایمون به روش توصیفی - تحلیلی است. یافته این پژوهش نشان می‌دهد که علی علیه السلام بعد از قرار گرفتن در موقعیت اجبار و مشاهده خطر دودستگی مسلمانان، ضمن استدلال به حقانیت خود در جانشینی و همچنین با دوری جستن از اتهام اختلاف، دست به اتخاذ تصمیم زدند. در این راستا و در مرحله انتخاب، موانعی پیش روی حضرت بود که ساختمان تصمیم حضرت در قالب

۱. دانشجوی دکتری علوم و معارف نهج‌البلاغه دانشگاه میبد، ایران، میبد: (maryamtavakol17@gmail.com).

۲. استادیار گروه ایرانشناسی دانشگاه میبد: (zareei2020@yahoo.com).

توضیح مرحله «اجرای تصمیم» قابل تبیین است. تبیین کارایی تصمیم حضرت و میزان پذیرش تصمیم حضرت توسط متصدیان حکومتی بخشی دیگر از این مقاله را تشکیل می‌دهد.

کلیدواژگان: علی علیه السلام، نظریه تصمیم‌گیری سایمون، جانشینی پیامبر، تاریخ خلافت.

مقدمه

یکی از ضروریات زندگی انسان، نیاز به تصمیم‌گیری برای مدیریت امور است. معمولاً یک تصمیم‌گیر در فرآیند تصمیم‌گیری، مسأله را تعریف و حقایق پیرامون آن را گردآوری می‌کند، راه‌کارها را تنظیم و آن‌ها را اولویت‌بندی کرده، سپس یکی را انتخاب می‌کند و به اجرا درمی‌آورد. این فرآیند زمانی اهمیت ویژه می‌یابد که تصمیم‌گیر، نخبگان سیاسی باشند. حضرت علی علیه السلام (حکومت ۳۵-۴۰ق) نیز به عنوان یکی از متفکران سیاسی - دینی صدر اسلام، تصمیماتی داشت که عمدتاً مبنای تحول در سیر تاریخ خلافت و موثر در تعیین سرنوشت جامعه صدر اسلام بوده است. یکی از این تصمیمات، «شرکت در شورای شش نفره و رد شرط عبدالرحمان» در جانشینی خلیفه دوم بود. در یک تصمیم بهینه باید بدون هیچ چالشی، جانشینی به حضرت علی علیه السلام واگذار می‌شد؛ اما چون حضرت با عوامل محدودکننده از سوی سازمان شورا از یک طرف و از طرف دیگر با بی‌میلی شهروندان به خلافتش مواجه بود، تصمیمی گرفت که نهایت مطلوبیت و رضایت‌بخشی هم در نظر خود ایشان و هم در سطح جامعه را به همراه داشت. برای واکاوی تصمیم امام علیه السلام به روش علمی و جهانی لازم است فرآیند تصمیم‌گیری ایشان در شورا در قالب یکی از نظریه‌های تصمیم‌گیری مورد بررسی قرار گیرد. به همین دلیل در این پژوهش نظریه «تصمیم‌گیری سایمون» یا همان «عقلانیت محدود» مبنا قرار گرفت تا بر پایه آن شیوه تصمیم‌گیری حضرت بازخوانی و تبیین گردد. از آن جا که حضرت

دارای مقام عصمت و انسان کامل است در این بحث، عنوان عقلانیت محدود بر عواملی بار می‌شود که از بیرون بر نحوه تصمیم‌گیری امام علی علیه السلام تحمیل می‌شود و نمی‌گذارد ایشان به نحو مطلوب تصمیم بگیرد. از سوی دیگر، چون نظریه عقلایی نامحدود نظریه‌ای کاملاً آرمانی و دست‌نیافتنی است، نظریه عقلایی محدود انتخاب شد. پژوهش پیش رو در پی پاسخ به این سه سوال است که اولاً؛ ساختار مجلس شورای شش نفره بر چه پایه‌ای استوار بوده است؟ ثانیاً؛ تصمیم حضرت در شورای شش نفره چگونه مدل‌سازی می‌شود؟ ثالثاً؛ میزان کارایی تصمیم امام علی در شورا چگونه قابل ارزیابی و تشریح است؟ به نظر می‌رسد «سازمان از پیش طراحی شده» شورا، بر پایه «عوامل محدودکننده تصمیم‌گیری آزادانه اعضا» استوار شده و امام علی علیه السلام برای سامان‌دهی تصمیم خویش ابتدا اطلاعاتی را به دست آورده، سپس به بررسی آن‌ها پرداخته و در نهایت از میان شقوق پیش رو، یک مورد رضایت‌بخش‌تر را برگزیده باشد. اثر این تصمیم‌گیری هم به نظر مثبت است؛ زیرا مدت زمانی بعد، هدف حضرت که همان رسیدن به وحدت مسلمین و رسیدن به خلافت با خواست مردم است، تحقق یافته است.

برای پاسخ به این سؤالات و اثبات فرضیات، ابتدا به مطالعه و بررسی آثار نگاشته شده در این زمینه پرداخته می‌شود.

پیشینه بحث

برخی از پژوهش‌های ناظر به شیوه مدیریتی امام علی علیه السلام از این قرارند: آقاجانی در مقاله «تبیین ویژگی‌های مدیران از دیدگاه حضرت علی علیه السلام در نهج‌البلاغه» معیارهایی برای شناسایی مدیران معرفی می‌کند. وی این معیارها را در سه طیف تخصصی، ارزشی و مکتبی تقسیم می‌کند و با استخراج شواهد از نهج‌البلاغه به ارزیابی آن معیارها می‌پردازد. عظیم‌زاده اردبیلی در مقاله «تئوری مدیریت از دیدگاه امام علی علیه السلام» در دو بخش ابتدا به تبیین مبانی علم مدیریت، معرفی مکاتب و ارائه نظریه‌های کلاسیک و نئوکلاسیک و نوین توجه داشته و در بخش دوم اندکی به موضوع

بحث نزدیک شده و به تبیین تئوری و مبانی اعتقادی حضرت امیر علیه السلام در مدیریت و عناصر و ارکان آن — سازمان‌دهی، برنامه‌ریزی، کنترل، نظارت، هماهنگی — شایسته‌سالاری و ویژگی‌های مدیران موفق و نیز به بررسی اقسام سوء مدیریت و معضلات نظام مدیریتی می‌پردازد. جلیلی قاسم‌آقا با نگارش مقاله «مقایسه رویکردهای مدیریتی امام علی علیه السلام با مدیریت علمی نوین» با تمرکز بر نامه امام علیه السلام به مالک، به استخراج راه‌کارهای مدیریتی حضرت پرداخته است و اعتقاد دارد که مؤلف به علت اساسی عقب‌افتادگی کشورهای اسلامی در عصر حاضر توجه داشته است. فلاح‌زاده و علی‌اکبری در مقاله «شیوه مدیریت حضرت علی علیه السلام در جامعه اسلامی عصر خلفا» به نقش مدیریتی امام که به صورت غیرمستقیم بر جامعه اسلامی حاکم بود، پرداخته و با توجه به کارکردهای مدیریتی (نظیر برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، سازمان‌دهی، هماهنگی و نظارت) به طور کلی مدیریت امام علی علیه السلام را در عرصه‌های علمی، اعتقادی، قضایی و نظامی در عصر خلفا تبیین کرده‌اند.

همان‌طور که از معرفی این منابع مشخص است، این آثار به صورت کلی در پی تبیین الگوی مدیریتی امام علی علیه السلام هستند و در این آثار به صورت مصداقی به نحوه مدیریت حضرت در شرایط خاص پرداخته نشده است تا چه رسد به نحوه تصمیم‌گیری ایشان. از این رو مقاله حاضر با دغدغه طراحی مدل تصمیم‌گیری حضرت در شورا و ماجرای انتخاب خلیفه سوم به زبانی قابل فهم برای همه جوامع جهانی (نه فقط جوامع اسلامی)، در پی آن است که نشان دهد طبق سازوکارهای نظریه تصمیم‌گیری سایمون، حضرت علیه السلام کاملاً منطقی و سازمان‌یافته تصمیم گرفته است.

۱. مبانی مفهومی و نظری پژوهش

هر پژوهشی جهت روشن کردن روش کار و بازشناسی معنای حقیقی برخی اصطلاحات، ابتدا باید مبانی نظری پژوهش را تبیین کند.

۱-۱. مفهوم تصمیم‌گیری

نظریه «تصمیم‌گیری» از جمله گزاره‌های سیاسی و از نظریات نسبتاً جدید علم سیاست محسوب می‌شود. هر چند این نظریه اختصاص به علم سیاست ندارد، در دهه ۱۹۶۰ پا به عرصه علم سیاست گذاشت.^۱ کارهای آغازین در این زمینه توسط افرادی همچون ساین (۲۰۱۵م)،^۲ هربرت سایمون (۲۰۰۱م)^۳ و اسنایدر (۲۰۰۶م)^۴ پی‌ریزی شد. بعدها نیز افرادی مانند جوزف فرانکل^۵ و گراهام تی آلیسون (۱۹۷۷م)^۶ به این حلقه پیوستند.^۷ پروفیسور شاکل (۱۹۸۹م)^۸ و همکارانش در تعریف نظریه تصمیم‌گیری می‌گویند: «تصمیم‌گیری» عبارت است از ترکیب دانش، فکر، احساس و تصور به طوری که «مجموعه حاصل» قابل اجرا باشد. جان برج دگری نیتزگی^۹ نیز در کتاب سیستم‌های اطلاعاتی در تئوری و عمل تصمیم‌گیری را فرآیند یافتن و انتخاب یک سلسله عملیات برای حل یک مشکل معین تعریف کرده است. به مفهوم واضح‌تر «تصمیم» انتخاب یک راه‌کار از میان دو یا چند راه‌کار است.^{۱۰} یا تصمیم‌گیری را فراگردی دانسته‌اند که از طریق آن، راه حل مسأله معینی انتخاب می‌گردد که طی آن شیوه عمل خاصی برای حل مسأله یا مشکل برگزیده می‌شود.^{۱۱} بنابراین تصمیم به معنای انتخابی خودآگاه است که به فرد

۱. بشیریه، نظریات جدید در علم سیاست، ص ۱۰۳.

2. Burton sapien.

3. Herbert Alexander Simon, (February 9, 2001).

4. Richard Snyder.

5. Joseph Frankel.

6. Graham T. Allison.

۷. سیف‌زاده، نظریه‌پردازی در روابط بین الملل میانی و قالب‌های فکری، ص ۲۶۳-۲۶۵.

8. Shackle.

9. Jan Borj Dogri Nietzsche.

۱۰. الوانی، تصمیم‌گیری و تعیین خط مشی دولتی، ص ۱۹۹.

۱۱. رضائیان، ص ۱۳۷؛ استونر، مدیریت، ص ۱۵۹.

امکان می‌دهد تا بر اساس مجموعه‌ای از شرایط داده‌شده، نحوه رفتار و طرز تفکر خاص آن مجموعه را بررسی کند و سپس یک گزینه مقبول واقع شود و در نهایت اجرا گردد. «تصمیم» زمانی گرفته می‌شود که «انتخاب» انجام شده باشد. در حقیقت، از تصمیم‌گیری نمی‌توان صرف نظر کرد، زیرا امتناع ورزیدن از گرفتن تصمیم خودش یک نوع تصمیم‌گیری است. تصمیم‌گیری صرفاً عمل‌گزینش میان راه‌های جایگزین یا بدیل‌های موجودی است که در مورد آن‌ها یقین و قطعیت نداریم.^۱ تصمیمات، مطابق واژگان دیوید ایستون (۲۰۱۴م)^۲ «برون‌داده‌ها»ی نظام سیاسی هستند که از طریق آن‌ها ارزش‌ها به نحو اقتدارآمیزی در داخل یک جامعه توزیع می‌شوند.^۳

اما در زبان دین «عزم» مترادف واژه «تصمیم» به کار رفته است. در قرآن، «عزم» بر یک امر جدی و ضروری اطلاق شده و مقام آن بسیار متعالی به شمار رفته و امور مهم و فریضه‌ها، «عزایم» نامیده شده‌اند مانند جایی که می‌فرماید: «وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ».^۴ اطلاق صفت «اولوالعزم» بر فرستادگان ویژه الهی و پیامبران عظیم الشأن، دلیل دیگری بر اهمیت مقام تصمیم‌گیری است.^۵

۱-۲. نظریه تصمیم‌گیری در تفکرات سایمون

سایمون، تصمیم‌گیری را با مدیریت مترادف دانسته، می‌گوید: «مدیریت همان تصمیم‌گیری است و جوهره مدیریت را تصمیم‌گیری تشکیل می‌دهد».^۶ علاوه بر این،

۱. دوئرتی و گراف، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ج ۲، ص ۷۲۰.

2. David Easton.

۳. دوئرتی و گراف، پیشین، ج ۲، ص ۷۱۹.

۴. شورا، ۴۳.

۵. جوادی آملی، «نحوه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در مدیریت اسلامی»، ص ۱۰-۱.

6. SIMON, THE NEW SCIENCE OF MANAGEMENT DECISIONP, p4.

سایمون اعتقاد دارد که تصمیم‌گیرنده معمولاً در جست‌وجوی یافتن «تصمیم بهینه» به مفهوم اقتصادی آن نیست و غالباً به یک «تصمیم رضایت‌بخش» اکتفا می‌کند؛ در واقع به جای رفتار بهینه‌یارانه یا بیشینه‌سازانه، مفهوم رفتار بسنده‌جویی را قرار می‌دهد.^۱ به بیان ساده‌تر، تصمیم‌گیر با توجه به شرایط، به جای بهترین تصمیم‌گیری با بیشترین اثرگذاری، به تصمیمی که رضایت‌مندی بیشتر را به دنبال داشته باشد اکتفا می‌کند. به اعتقاد او در شرایطی می‌توان تصمیم عقلانی گرفت که اولاً کلیه شقوق ممکن برای حل مسأله مورد بررسی قرار گیرد؛ ثانیاً میزان قابلیت پیش‌بینی نتایج و پس‌آمدهای هر یک از شقوق مشخص شود؛ ثالثاً میزان دقت ارزیابی و درجه‌بندی نتایج پیش‌بینی‌شده از لحاظ قابل اجرا بودن آن‌ها برآورده گردد و بعد از همه این مراحل، راه‌حل‌های بهینه انتخاب شوند.^۲ اما کلیه این موارد برای تصمیم‌گیر فراهم نیست و از طرفی سایمون بر این عقیده است که افراد با پذیرش عضویت سازمانی، در واقع تا حدود قابل ملاحظه‌ای استقلال خود را در تصمیم‌گیری از دست می‌دهند و به سازمان اجازه می‌دهند که در تصمیماتشان نفوذ کند.^۳ به همین دو دلیل، وی تصمیم‌گیری عقلایی را امکان‌پذیر نمی‌داند. همان گونه که وقتی حضرت ﷺ شرکت در سازمان شورا را می‌پذیرد، دیگر به صورت مستقل نمی‌تواند اتخاذ تصمیم کند و تصمیمات و اعمال محدودکننده سایر اعضا، ایشان را به گرفتن تصمیم رضایت‌بخش سوق می‌دهد و از تصمیم‌گیری بهینه دور می‌سازد.

سایمون ضمن اهمیت قائل شدن برای مشارکت و همکاری افراد در تصمیم‌گیری‌های سازمانی، ویژگی‌های فرآیند تصمیم‌گیری را بدین گونه طرح می‌کند:

۱. دوئرتی و گراف، پیشین، ج ۲، ص ۷۲۹.

۲. رک: معاونت توسعه مدیریت و منابع انسانی، اصول تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، ص ۱۴-۱۵.

۳. شهرآبادی و دیگران، «هربرت سایمون متفکری نوآور»، ص ۶۴-۶۵.

الف) انتخاب هدف و راه رسیدن به آن همیشه بر اساس یک الگوی ساده و قابل درک از دنیای واقع صورت می‌گیرد، نه بر اساس الگوهای پیچیده غیرقابل درک و انتزاعی؛

ب) انتخاب راه حل همیشه از میان مجموعه محدودی از راه‌کارهای ممکن صورت می‌گیرد، نه همه راه‌کارها؛

ج) تصمیم‌گیرنده فقط به برخی از نتایج مترتب بر هر راه حل آگاهی دارد، نه همه نتایج ممکن؛

د) رفتار جست و جوگر فرد در انتخاب هدف و راه، در غالب موارد به فکر راه و نتیجه رضایت‌بخش است، نه مطلوب‌جویی حداکثر؛

ه) انتخاب یا تصمیم در چارچوب تفکر، روان، تجربه و ارزش‌های تصمیم‌گیرنده شکل می‌گیرد نه منحصرأ در چارچوب جهان خارج؛ «واقعیت» بستگی به آن دارد که تصمیم‌گیرنده، آن را چه تشخیص داده باشد. یعنی ممکن است آنچه تصمیم‌گیرنده واقعیت تشخیص داده، واقعیت نبوده و یا همه واقعیت نباشد؛

و) عدم رضایت از نتیجه تصمیم ممکن است منجر به جست‌وجوی بیشتر برای یافتن راه‌های جدید شود.^۱

بنابراین، تصمیم‌گیری مهمترین فرآیند زندگی اجتماعی است و در تعریف سایمون به جای تأکید بر «انسان اقتصادی»، تمرکز بر مطالعه «انسان اداری» است. به نظر او بر خلاف انسان اقتصادی که تمام هم خود را برای بیشینه ساختن منافع مصرف می‌دارد، انسان اداری به «حد کفایت» در هر زمان بسنده می‌کند و راه حلی را که فعلاً رضایت‌بخش بوده و به «اندازه کافی خوب» است در پیش می‌گیرد. به عبارت دیگر، تصمیم‌های فردی و سازمانی بسیاری از تصمیم‌گیرندگان، به یافتن و گزینش شقوق قابل قبول محدود می‌شوند و فقط در موارد استثنایی، کشف و گزینش راه‌های بهینه را در

۱. مهدویان، «تصمیم‌گیری در مدیریت»، ص ۵۹-۶۰.

بر می‌گیرد.^۱ به اعتقاد سایمون هیچ مدیر و کارمندی از تصمیم‌گیری بی‌نیاز نیست و به صورت مستمر باید تصمیماتی اخذ کند؛ اما سنگینی این وظیفه بر دوش مدیران بیشتر است. مدیران نه تنها باید تصمیمات مناسب اتخاذ کنند که باید مراقب تصمیم‌گیری زبردستان هم باشند.^۲

با تمرکز بر مطالب فوق، امام هم که می‌خواهد مدیریت یک ملت را بر عهده بگیرد، باید دست به اتخاذ تصمیم بزند؛ چنان که در ماجرای تعیین خلیفه سوم و شورای شش نفره، دو تصمیم مهم گرفتند: الف) تصمیم به شرکت در شورا؛ ب) تصمیم به رد پیشنهاد عبدالرحمان بن عوف؛ که این تصمیمات امام طبق الگوی تصمیم‌گیری سایمون بازخوانی خواهد شد.

۲. انطباق ساختار شورا با ساختار سازمانی سایمون

حال باید دید که سازمان شورا از طریق چه راه‌کارهایی نفوذ خود را در تصمیمات هر یک از اعضا اعمال می‌کند و چگونه تصمیمات آن‌ها را با هدف‌ها و برنامه‌های سازمان‌دهی شده پیوند می‌دهد. به عقیده سایمون مکانیزم‌های طراحی شده برای تصمیم‌گیری در سازمان عبارتند از:

۱-۲. تقسیم کار

تقسیم کار یکی از بنیادی‌ترین تدابیری است که سازمان‌ها برای محدود کردن حوزه تصمیمات افراد به کار می‌گیرند. با واگذار کردن وظایف معین، توجه اعضا صرفاً به مسائلی هدایت می‌شود که مرتبط به این وظایف باشد.^۳ تقسیم کار خلیفه دوم در سازمان شورا یکی از محدودیت‌هایی است که از طرف او بر تصمیم‌گیری بهینه حضرت بار شد و باعث

۱. رحمان سرشت، مشاهیر مدیریت هربرت سایمون: رفتار اداری و تصمیم‌گیری، ص ۱۸۳.

2. SIMON, *THE NEW SCIENCE OF MANAGEMENT DECISION*, p5.

۳. شهرآبادی و دیگران، «هربرت سایمون متفکری نوآور»، ص ۶۵.

شد که حضرت به تصمیم‌گیری رضایت‌بخش بسنده کند؛ به این صورت که عمر بن خطاب (خلافت ۱۳-۳۳ق) با واگذاری وظایف بر عهده اشخاصی، رفتار اعضا را در درون شورا مدیریت کرده، جلسه شورا را به سمت دلخواه هدایت کرد و این بر تصمیم‌گیری حضرت مؤثر بود. بر اساس یک گزارش، عمر به صُهبیب فرمان داد که با مردم نماز بگزارد تا آن شش نفر از میان خود به یک تن رضایت دهند و ابوطلحه (زید بن سهل انصاری) را بر آنان گمارد و گفت:

اگر چهار نفر رضایت دادند و دو نفر مخالفت کردند، گردن آن دو نفر را بزن
و اگر سه نفر رضایت دادند و سه نفر مخالفت کردند، گردن آن سه نفری را بزن
که عبدالرحمان در میانشان نیست و اگر سه روز گذشت و به هیچ کس رضایت
ندادند، همه آن‌ها را گردن بزن.^۱

آنچه در جلسه شورا به وضوح نمایان است، همین تقسیم کار سازمان‌یافته است که در اتخاذ تصمیم مطلوب توسط حضرت امیر علیه السلام مؤثر واقع شده، نمی‌گذارد امام بر اساس میل باطنی‌اش تصمیم بگیرد.

۲-۲. تعیین روش انجام کار

از طریق استاندارد کار و تعیین جزئیات مراحل انجام کار نیز می‌توان افراد را تا حدودی از رفتن به دنبال راه حل‌های شخصی بازداشت.

انتخاب شش نفر به عنوان اعضای شورا و تعیین روش کار آن‌ها، در جهت جلوگیری از تصمیم‌گیری شخصی و آزادانه آنان بود. یعقوبی (درگذشت ۲۸۴ یا ۲۹۲ق) در این خصوص می‌نویسد:

در ماجرای تعیین خلیفه سوم، خلافت به شورایی شش نفره از اصحاب

۱. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۶۰.

پیامبر ﷺ کشانده شد: علی رضی الله عنه، عثمان بن عفان، عبدالرحمان بن عوف، زبیر بن عوام، طلحة بن عبیدالله و سعد بن ابی وقاص.^۱

تعیین شورا با شش نفر عضو، آن هم فقط از میان صحابه، از یک طرف محدودیت و جلوگیری از اتخاذ تصمیم آزادانه اعضا را در بر داشت و از طرف دیگر این اعضا هم از میان صحابه برگزیده شده یا همان اهل حل و عقد بودند که غیر صحابه و زنان حقی در تصمیم انتخاب خلیفه نداشتند.^۲

۲-۳. نظام ارتباطات

دیگر عامل مهم اثرگذار در تصمیم‌گیری فردی، «نظام ارتباط» است. از طریق مجاری ارتباطات است که اطلاعات ضروری یا حقایق تصمیم، در جهات مختلف منتقل می‌شود. نظام ارتباطی خویش و قومی (یا به تعبیری قبیله‌ای) در شورا حاکم است و هر کس به سمتی متمایل می‌شود که عضوی از قبیله‌اش در آن جا حضور دارد. از همین رو علت کنار رفتن طلحه به نفع عثمان این بود که طلحه از قبیله تمیم و عموزاده ابوبکر بود و بین دو قبیله بنی هاشم و تمیم به خاطر تصاحب مسند خلافت، کدورت پیدا شده بود.^۳ زبیر نیز به نفع علی رضی الله عنه کنار رفت. انگیزه زبیر نیز همان خویشاوندی و حمیت نسبی بود چون او پسر عمه علی رضی الله عنه بود. سعد بن ابی وقاص نیز به نفع عبدالرحمان کنار رفت و گفت: «من حق خود را به عموزاده‌ام عبدالرحمان بخشیدم». این هم به این جهت بود که هر دو نفر از قبیله بنی زهره بودند. در نهایت عبدالرحمان هم که از حق انتخاب برخوردار بود به نفع عثمان رأی داد چرا که او شوهر خواهر عثمان بود.^۴

۱. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۶۰.

۲. برای اطلاع بیشتر ن.ک: تفتازانی، شرح المقاصد، ج ۵، ص ۲۳۳.

۳. بلاذری، جمل من انساب الاشراف، ج ۱۰، ص ۱۲۹.

۴. رک: ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۶۲؛ سبحانی، فروغ ولایت، ص ۲۶۷-۲۶۸.

۲-۴. آموزش و تلقین

در این جا سعی می‌شود اطلاعات، ارزش‌ها و مقررات، آن چنان در باطن افراد رسوخ داده شود که جزئی از اعتقادات آنان گردد. در این صورت افراد تصمیمی می‌گیرند که با هدف‌های کلی سازمان سازگار خواهد بود.

عمر برخی صفات مثبت و منفی را برای کاندیدها برشمرده بود. او گفته بود:

من کسانی را بر خواهم گزید که رسول خدا صلی الله علیه و آله در هنگام رحلت خود از آنان خوشنود بود.^۱

در مورد عبدالرحمان بن عوف گفت:

او مردی خسیس است. این کار شایسته کسی است که عطاکننده بی‌اسراف و بازدارنده بی‌خست باشد.

و راجع به سعد بن ابی وقاص هم گفت:

مؤمنی ناتوان است.

سپس در مورد طلحة بن عبیدالله گفت:

او مردی است به دنبال بزرگی و مدح و ثنا، او فخرفرش و متکبر است.

در رابطه با زبیر بن عوام گفت:

او یک روز انسان و یک روز شیطان است. او بسیار مال‌اندوز است.

و در خصوص عثمان نظرش این بود:

اگر حاکم شود، پسر ابی‌معیط و بنی‌امیه را برگردن مردم سوار می‌کند و مال خدا را به آنان می‌بخشد و به خدا سوگند، اگر حاکم شود این کار را

۱. ابن قتیبه دینوری، امامت و سیاست، ص ۴۳.

می‌کند و اگر بکند، عرب به سوی او هجوم می‌آورند تا آن که او را در خانه‌اش بکشند!

و در نهایت در مورد امام علی علیه السلام چنین نظر داد:

اگر علی علیه السلام حکومت مسلمانان را به عهده بگیرد آنان را به راه می‌آورد و طریق روشن را می‌پیماید؛ جز آن که خصلت‌هایی دارد: شوخی در مجلس، خودرایی و توبیخ مردم با کمی سَنَسْ. علی سزاوارترین مردم به خلافت است اما قریش او را تحمل نمی‌کنند و چنانچه حاکم آنان گردد آنان را چنان به حق محض می‌گیرد که از او گریزگاهی نمی‌یابند و اگر چنین کند بیعتش را می‌شکنند و با وی می‌جنگند.^۱

در واقع عمر با گریز زدن به این اعتقاد که خلافت منصب الهی نیست، این تفکر را در بین مردم القا کرد که افراد نالایق هم می‌توانند زمامداری مردم را به عهده بگیرند و همین تفکر به عنوان سرمشقی در طول دوره امویان (۴۱-۱۳۲ق) و عباسیان (۷۵۰-۱۲۵۸م) قرار گرفت. یکی از آثار جانبی شورا آن بود که اعضای شورا بعدها به هوس خلافت افتادند. با کاری که عمر کرد این افراد تصور می‌کردند که شایسته خلافتند.^۲ بنابراین با تلقین‌هایی که بر فضای سازمان شورا حاکم بود، شایستگی‌های بی‌شمار حضرت که می‌توانست معیار انتخابش شود، پنهان‌سازی شد و ویژگی‌هایی از آن حضرت برجسته شد که در خلیفه بودن ایشان بی‌اثر بود و چنین وانمود شد که حضرت هم در سطح بقیه اعضاست تا ایشان نتواند با تمسک به توانمندی‌هایش تصمیم به پذیرش خلافت بگیرد.

۱. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۵۸؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۳، ص ۸۸۲.

۲. رک: جعفریان، تاریخ سیاسی اسلام (تاریخ خلفا)، ص ۱۴۴-۱۴۷.

۳. مدل‌سازی برای تبیین تصمیم‌گیری امام علی علیه السلام در شورا

پروژه مدل‌سازی تصمیم‌گیری سایمون دارای سه فاز مجزاست: اطلاعات، طراحی و انتخاب. بعدها موضوع اجرا نیز به این سه فاز اضافه شد.^۱

۳-۱. اطلاعات تصمیم‌گیر (بصیرت)

مرحله بصیرت یعنی یافتن موقعیت‌هایی که نیاز به تصمیم‌گیری دارد (فعالیت جست‌وجوگری یا تجسس) و جمع‌آوری اطلاعات.^۲ بنابراین مرحله بصیرت شامل جمع‌آوری، طبقه‌بندی، پردازش و ارائه اطلاعات می‌باشد که زمینه اطلاعاتی لازم را برای مراحل بعدی فرآیند تصمیم‌گیری آماده می‌کند. فرآیند تصمیم‌گیری با توجه به دو عامل شروع می‌شود: الف) شناسایی مسأله؛ ب) فرصت‌جویی؛ یعنی یافتن شرایط و موقعیتی نویدبخش به تصمیم‌گیرندگان.^۳ اما موقعیتی که تصمیم‌گیری امام در آن رخ داد همراه با ارباب و تهدید بود و تصمیم‌گیری امام برای شرکت در شورا از روی اختیار که لازمه انتخاب است، نبوده است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «به ناچار با آنان همراه شدم»^۴ و تهدیدهای خلیفه دوم درباره اعضای شورا حاکی از محدودیت حاکم بر ماجرای شورا است. با این حال چنان که از گزارش‌های تاریخی و سخنان حضرت برمی‌آید، وقتی عبدالرحمان شرطش را بیان کرد، امام برای کسب اطلاعات در جمع مردم سخنرانی کرد و از فضیلت‌های خود گفت تا اگر مردم با خلافت ایشان موافقت با شرط عبدالرحمان مخالفت کنند. اما وقتی دید مردم برای مخالفت با شرط اقدامی نمی‌کنند و از همراهی آنان ناامید شد، فرمود:

۱. ملکی، آشنایی با فرآیند تصمیم‌گیری و انواع مدل‌های آن، ۵۰.

۲. رحمان سرشت، مشاهیر مدیریت هربرت سایمون: رفتار اداری و تصمیم‌گیری، ص ۱۸۲.

۳. اسکویی، «فرآیند تصمیم‌گیری و سیستم‌های اطلاعات مدیریت»، ص ۴۳.

۴. نهج البلاغه، خطبه ۳.

شما می‌دانید که من برای خلافت از هر کسی سزاوارترم، من خلافت را تسلیم دیگری می‌کنم مادامی که مسلمین در فتنه و فساد نباشند و به جز من بر کسی ستم نشود.^۱

به بیان دیگر درباره موقعیت حاکم بر فضای شورا می‌توان گفت که عبدالرحمان در انتخاب عثمان از در حيله وارد شد. او به علی عَلَيْهِ السَّلَامُ پیشنهاد کرد که طبق کتاب خدا و سنت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و روش شیخین رفتار کند در حالی که می‌دانست روش شیخین در صورت مطابقت با قرآن و سنت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، برای خود امر جداگانه‌ای نیست که نیاز به تعهد علی عَلَيْهِ السَّلَامُ داشته باشد و در صورت مخالفت با قرآن و سنت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم ارزشی نخواهد داشت تا لازم باشد علی عَلَيْهِ السَّلَامُ بدان پایبند باشد. اما عبدالرحمان اصرار داشت هر سه شرط را به امام بقبولاند و وقتی امام نپذیرفت، آن را با عثمان در میان گذاشت و او هم قبول کرد.^۲ اگر امام در آن موقعیت شرط را قبول می‌کرد به معنای صحه گذاشتن بر همه اعمال دو خلیفه قبل و اعتراف به حقانیت آن دو بود و این با ادعای حقانیت حضرت که بارها بعد از رحلت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مطرح کرده بود^۳ منافات داشت.

بنابر این امام در صورت همراهی با اکثریت یا با جمعی که عبدالرحمان در آن بود، تحت اجبار قرار می‌گرفت. اما از طرف دیگر شاید گفته شود که مخالفت برخی از نزدیکان امام مانند عباس با شرکت امام در شورا نشان می‌دهد که امکان عدم شرکت وجود داشته است. پاسخ به این احتمال در ادامه خواهد آمد.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۷۳.

۲. ابن عقده کوفی، فضائل امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ، ص ۶۵؛ سبحانی، فروغ ولایت، ص ۲۲۷.

۳. رک: نهج البلاغه، خطبه ۳: «مَحَلِّي مِنْهَا مَحَلُّ الْقُطْبِ مِنَ الرَّحَى».

۳-۲. طراحی تصمیم

در این مرحله، تصمیم‌گیر به اکتشاف، پردازش و تجزیه و تحلیل راه‌های مختلف می‌پردازد^۱ که هر یک از این موارد مستلزم یک مجموعه اقدامات است. در این جا باید داده‌های گردآمده در مرحله قبل، تحلیل و بررسی شود.^۲ امام علی علیه السلام بعد از بررسی، به سه دلیل تصمیم گرفت در شورا شرکت کند.

ایشان که خود را شایسته خلافت و امامت می‌دانست، لازم دید با شرکت کردن در آن جلسه، حقانیت خویش را به اثبات رساند.^۳ حضرت در تشریح اقدام خود می‌فرماید:

همراه آن‌ها در شوراها داخل می‌شوم تا آشکار شود که اکنون عمر مرا شایسته خلافت می‌بیند. او پیش از این می‌گفت که پیامبر صلی الله علیه و آله گفته است: نبوت و امامت با هم در یک خانه جمع نمی‌شوند. من در شورا داخل می‌شوم تا تناقض کردارش را با روایتی که نقل کرده است روشن کنم.^۴

علاوه بر آن، علی علیه السلام می‌خواست به ایجاد شکاف و مخالفت متهم نشود. در گزارشی آمده است:

ابن عباس به علی علیه السلام گفت: وارد این شورا مشو! امیرمومنان علیه السلام پاسخ داد: نمی‌خواهم از جانب من مخالفتی صورت پذیرد. ابن عباس گفت: اذاتری ما

۱. رحمان سرشت، مشاهیر مدیریت هربرت سایمون: رفتار اداری و تصمیم‌گیری، ص ۱۸۲.

۲. اسکویی، «فرآیند تصمیم‌گیری و سیستم‌های اطلاعات مدیریت»، ص ۴۳.

۳. داودی، عاشورا ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها، پیامدها، ص ۱۲۹.

۴. محمدی ری شهری، دانش‌نامه امیرالمؤمنین علیه السلام بر پایه قرآن و حدیث، ص ۱۴۰؛ ابن ابی الحدید،

شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۸۹.

تکراره؛ در این صورت آنچه را که خوشایند تو نیست، خواهی دید.^۱

و دیگر این که نگویند اگر حضرت در آن مجلس شرکت می‌کرد، حَقّش را به وی می‌دادند. از این رو امام علی علیه السلام مصلحت را به حضور در آن شورا دید.^۲

تحلیل امیرالمؤمنین علیه السلام از شرط شورا این است که عبدالرحمان با این بند می‌خواهد خودش بعد از عثمان خلیفه شود؛ به همین دلیل فرمود: «امروز کار عثمان را درست کردی تا بعد آن را به تو واگذارد».^۳ عبدالرحمان می‌دانست که امام شرط او را قبول نخواهد کرد، چون اگر سیره شیخین موافق کتاب و سنت می‌بود، در این صورت جدا کردنش معنا نداشت و اگر مخالف بود، او و همه صحابه می‌دانستند علی علیه السلام اهل مخالفت با کتاب و سنت نیست. عبدالرحمان معتقد به جدا بودن سیره شیخین از کتاب و سنت بود که دست به نوآوری زد و آن را به عنوان مانعی پیش پای حضرت قرار داد. بعد از این تحلیل و بررسی است که امام می‌فرماید: «این بار هم از خلافت محروم شدیم».^۴

۳-۳. انتخاب راه حل

انتخاب راه حل یعنی گزینش یکی از چند راه حل قابل احصا تا تصمیم رسمی اتخاذ شود و اقدامات متوالی پس از آن انجام گیرد.^۵

۱. طبری، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۹۳؛ ابن اثیر جزری، الکامل فی التاریخ، ج ۳، ص ۶۸.

۲. داودی، عاشورا ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها، پیامدها، ص ۱۲۹.

۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۸۵-۱۸۸.

۴. ابن اثیر جزری، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۴۵.

۵. بشیریه، نظریات جدید در علم سیاست، ص ۱۲۴؛ اسکویی، «فرآیند تصمیم‌گیری و سیستم‌های

اطلاعات مدیریت»، ص ۴۶.

گزینه‌های پیش روی امام در ماجرای شورا این بود که یا در جلسه شورا شرکت نکند یا شرکت کند و شرط عبدالرحمان را بپذیرد و خلافت را به دست آورد یا این که ضمن شرکت در شورا، پیشنهاد عبدالرحمان را رد کند. ممکن است انتخاب این گزینه سوم از سوی حضرت، آسان به نظر آید اما مشکلات زیادی وجود دارد که مرحله انتخاب را بسیار پیچیده می‌سازد.

۳-۳-۱. مشکلات مرحله انتخاب

سایمون معتقد است محدودیت‌هایی بر سر راه عقلانی بودن تصمیمات وجود دارد. او می‌گوید از یک سو فرد به وسیله مهارت‌ها، عادت‌ها و اعمال غیرارادی که در قلمرو وجدان و آگاهی قرار ندارند، محدود است. از سویی بر اثر ارزش‌ها و پندارهایی که از هدف دارد و به هنگام تصمیم‌گیری از آن‌ها اثر می‌پذیرد، دست‌خوش تنگناست. و از سوی دیگر از راه مقدار دانشی که درباره کارش دارد در مضیقه است.^۱ برخی از مشکلات و تنگناهای این مرحله در پی می‌آید.

۳-۳-۱-۱. ترجیحات چندگانه

چون عموماً دسترسی به مطلوبیت کامل برای تصمیم‌گیرنده غیرممکن است به مطلوبیت نسبی رضایت می‌دهد. مطلوبیت کامل برای حضرت، اجرای فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد خلافت بود که در آن صورت حضرت علی علیه السلام باید جانشین حضرت رسول صلی الله علیه و آله می‌شد. اما آن حضرت به دلایلی مانند رفع اختلاف بین مسلمانان ترجیح داد تا زمانی که پشتوانه مردمی وجود ندارد از خلافت کناره‌گیری کند؛ لذا می‌فرماید: «گرچه رهبری حق من است و گرفتن آن از من، ظلم بر من محسوب می‌شود، مادامی که کار مسلمانان رو به راه باشد و فقط به من جفا شود، مخالفتی نخواهم کرد».^۲ از این رو به جانشینی عثمان رضایت می‌دهد و می‌فرماید: «برای مصلحت، در همه جا با آن‌ها موافقت کنند».^۳

۱. طوسی، مشارکت در مدیریت و مالکیت، ص ۴۸.

۲. طبری، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۲۲۸.

۳. نهج‌البلاغه، خطبه ۳.

۳-۱-۲. عدم اطمینان

در فرآیند تصمیم‌گیری، در بیشتر موارد، نتیجه نامعین است و ضروری است احتمالاتی برای نتایج مختلف در نظر گرفته شود. بعضی مواقع حتی تعیین و تخصیص احتمالات، کار چندان آسانی نیست و باید تصمیم‌گیر قضاوت ذهنی خود را به کار اندازد.^۱ با توجه به این که تصمیم امام با اطمینان کامل صورت گرفته، نمی‌توان فرض محدودیت ادراکی تفکر سایمون را در مورد ایشان پذیرفت؛ زیرا امام علیه السلام بر اساس اطلاعات موجود و با اطمینان می‌داند که نتایج حاصل از هر راه ممکن چیست و در چه شرایطی اتفاق خواهد افتاد. به بیانی دیگر، امام از نظر تصمیم‌گیری و انتخاب بهترین راه، در شرایط اطمینان قرار دارد. در چنین وضعیتی تصمیم‌گیری فرآیندی ساده، دقیق و شفاف خواهد بود.^۲

۳-۱-۳. کنترل

کنترل، میزان پیشرفت در جهت هدف‌ها را اندازه‌گیری می‌کند و مدیران را در تشخیص انحراف از برنامه یاری می‌دهد تا اقدامات اصلاحی لازم را انجام دهند.^۳ تصمیم‌گیرنده باید این موارد را ارزیابی کند که آیا اطاعت به اندازه کافی وجود دارد تا برنامه جدید پیگیری شود؟ آیا منابع ذخیره‌شده کافی برای عهده‌دار شدن اشتباهات وجود دارد؟ آیا راه‌کارهای جایگزینی برای عقب‌نشینی وجود دارد؟ آیا تصمیم، قابلیت نقض شدن را دارد؟

امام بر مبنای فضای حاکم بر مجلس شورا، از یک سو می‌دانست از حمایت کافی اعضای شورا برخوردار نیست و از آن مهم‌تر، در صورت انتخاب شدن به خلافت، اطاعت

۱. اسکویی، «فرآیند تصمیم‌گیری و سیستم‌های اطلاعات مدیریت»، ص ۴۶.

۲. رک: درون‌پرور، «تصمیم‌گیری مدیران و رهبران در شرایط بحران»، ص ۴۳.

۳. فلاح‌زاده و دیگران، «شیوه مدیریت حضرت علی علیه السلام در جامعه اسلامی عصر خلفا»، ص ۱۲۴.

مردمی را نخواهد داشت. از همین رو به ابن عباس که از ایشان خواست وارد شورا نشود جواب داد: «از اختلاف هراس دارم».^۱ بنابراین اگر امام از اطاعت کافی مطمئن بود، دیگر ترس از اختلاف معنا نداشت.

از طرف دیگر جبران راه رفته امکان‌پذیر نبود. یعنی بر فرض محال اگر امام شرط را می‌پذیرفت و با ترفندی فریب‌کارانه خلافت را می‌پذیرفت، آیا می‌توان اطمینان یافت شورشی مانند آن چه برای عثمان اتفاق افتاد و منجر به قتل او شد، برای امام رخ نمی‌داد؟! آیا اصلاً راهی برای جبران اشتباه وجود داشت و امام می‌توانست برگردد و از نو تصمیمی دیگر بگیرد؟ قاعدتاً پاسخ منفی است. لذا امام علی علیه السلام با کنترل اوضاع، هدف نهایی خویش را که حفظ اسلام بود، دنبال کرد و به صورت غیرمستقیم (چه به صورت انتقاد، چه به شکل مشاوره) عثمان را یاری کرد و از این طریق اصول اسلام را از انحراف مطلق نجات داد.^۲

۳-۳-۱-۴. تصمیم‌گیری گروهی یا تیمی

گاهی به جای افراد، تصمیمات به وسیله یک تیم اتخاذ می‌شود. طبعاً انتخاب راه حل مناسب که تمام اعضای گروه را خشنود کند خیلی پیچیده و مشکل است.^۳ در مجلس شورا، ایده اصلی توسط عمر داده شده بود و در روز شورا، تصمیم‌گیری برای خلافت، ظاهراً به صورت تیمی اتفاق افتاد؛ سه نفر تصمیم به کناره‌گیری گرفتند و انتخاب یکی از دو نفر دیگر برای خلافت، منوط به رای عبدالرحمان بود. در حقیقت رتبه‌ای که به طور رسمی به عبدالرحمان داده شد در تصمیم‌گیری حضرت موثر بود و ایشان

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۸۹.

۲. رک: فلاح زاده و دیگران، «شیوه مدیریت حضرت علی علیه السلام در جامعه اسلامی عصر خلفا»، ص ۱۲۴-۱۲۵.

۳. اسکویی، «فرآیند تصمیم‌گیری و سیستم‌های اطلاعات مدیریت»، ص ۴۶.

را در انتخاب راه حل صحیح، آزاد نگذاشت. اگر مقام‌ها به طور برابر در میان اعضای شورا تقسیم می‌شد، قاعدتاً امام هم در اتخاذ تصمیم صحیح با محدودیت همراه نبود.

۳-۴. اجرا

عملی کردن راه حل یا شیوه عمل انتخاب‌شده توسط تصمیم‌گیرنده را اجرای راه حل گویند.^۱ نخستین گامی که امام برای اجرای تصمیماتش در شورا برداشت، پیشه کردن صبر بود. جُنْدَب بن عبدالله (۵۰ق) می‌نویسد:

پس از بیعت مردم با عثمان، از علی عَلَيْهِ السَّلَام پرسیدم: «قومت چه کردند؟». فرمود: «باید صبوری نیکو داشت». به او گفتم: «به خدا سوگند که تو صبوری!». فرمود: «[اگر صبر نکنم] چه کنم؟ مردم به قریش می‌نگرند. قریش می‌گوید: اگر خلافت به خاندان محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رسد هیچ گاه به کس دیگری نمی‌رسد ولی اگر در غیر آنان باشد، میان شما می‌چرخد».^۲

در آن موقعیت اگر علی عَلَيْهِ السَّلَام صبر نمی‌کرد و با توسل به قدرت و قیام مسلحانه به دنبال باز ستاندن حق خویش برمی‌آمد، جز نتایج زیر عاید وی نمی‌شد:

الف) او در این نبرد بسیاری از یاران خود را که به امامت و رهبری او معتقد بودند، از دست می‌داد؛

ب) در پی کشته شدن آن افراد، گروه زیادی از صحابه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز که به خلافت علی عَلَيْهِ السَّلَام راضی نبودند، کشته می‌شدند و در نتیجه قدرت مسلمانان در مرکز به ضعف می‌گرایید؛

۱. علاقه‌بند، مقدمات مدیریت آموزشی، ص ۱۶؛ ملکی، آشنایی با فرآیند تصمیم‌گیری و انواع

مدلهای آن، ص ۳۲.

۲. مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۲۴۱.

ج) بر اثر ضعف مسلمانان، قبایل دوردست که نهال اسلام در سرزمین آن‌ها کاملاً ریشه ندوانیده بود، به مخالفان اسلام می‌پیوستند و چه بسا بر اثر قدرت مخالفان و نبودن رهبری صحیح در مرکز، چراغ توحید برای همیشه به خاموشی می‌گرایید.^۱

بنابراین امام در راستای اجرای تصمیمش که متکی به اجرای موازین کتاب و سنت با اتکای به فهم الهی خویش بود، با صبر و تحمل از خلافت دست کشید و برای حفظ اصالت اسلام، گاهی با مشاوره و گاهی هم با توییح، به یاری خلیفه وقت پرداخت و کارهای او را سامان داد.^۲

۴- ارزیابی میزان کارایی تصمیم امام علی علیه السلام در شورا

در ارزیابی میزان کارایی یک تصمیم، از موضوعات زیر استفاده می‌شود:

۴-۱. تحقق اهداف

هدف از تصمیم چه بوده است؟ حل مشکل یا بهره‌گیری از فرصت؟ هدف از تصمیم هر چه باشد، اگر محقق شود، آن تصمیم اثربخش تلقی می‌شود.^۳ حال باید دید آیا هدفی که حضرت از اتخاذ این تصمیم داشت محقق شد؟

مشارکت امام در شورای شش نفره از یک اصل کلی سرچشمه می‌گرفت و آن این که اکنون که حق از محور خود بیرون رفته، باید کوشید تا مصالح اسلام و مسلمین در حد امکان محفوظ بماند، شکاف کمتر شود و فساد مستولی نگردد. بنابراین امام در حالی که خود را خلیفه شرعی می‌دانست و حق خویش را مغضوب و به غارت رفته می‌دید، آن‌گاه که خلافت خلفا تثبیت گردید، مصلحت را در این دید که تا آن جا که مصالح اسلام و

۱. غلامی، «امام علی الگوی صیوری»، ص ۴۹.

۲. رک: سبحانی، فروغ ولایت، ص ۳۰۹-۳۱۱.

۳. ملک جعفریان، «بررسی نظریات مربوط به فرآیند تصمیم‌گیری و انتخاب استراتژی»، ص ۷۳.

مسلمانان ایجاب می‌کند با آنان همکاری نماید. پس مسأله «حفظ اصل اسلام» را به عنوان مصلحتی مقدم بر خلافت بر می‌شمرد.^۱ در واقع دغدغه امام علی علیه السلام حفظ اسلام است که در آن مقطع باید با صبر و همراهی با خلفا تأمین می‌شد؛ چنان که وقتی فاطمه علیها السلام او را به گرفتن حقیق دعوت کرد، امام فرمود: «آیا دوست داری که این صدا (صدای اذان) در روی زمین خاموش گردد؟». فاطمه گفت: «هرگز نه!». امام فرمود: «پس راه همین است که من در پیش گرفته‌ام».^۲ بر این اساس، تصمیم ایشان در رد پیشنهاد اهل شورا و کناره‌گیری مجدد ایشان، در راستای تحقق همین هدف بود که عملاً محقق شد.

۴-۲. کیفیت عینی تصمیم

فرآیند منطقی تصمیم آیا به درستی طی شده است یا خیر؟ هر چقدر این فرآیند دقیق‌تر باشد کیفیت عینی تصمیم بیشتر خواهد بود.^۳ اتحاد و هماهنگی، نمود عینی تصمیم امام علیه السلام در جلسه شورای شش نفره است که مشخص می‌کند تصمیم امام در جهت منطقی اتخاذ شده است. این تصمیم در ابتدا مخالفت و آزرده‌گی پیروان حضرت علی علیه السلام را در پی داشت (که البته این مخالفت ضربه‌ای به هویت اسلام وارد نمی‌کرد) اما بعداً به وضوح گرایش بیشتر مسلمانان به سمت امام را به همراه داشت که پس از قتل عثمان تاریخ شاهد آن است. حضرت در این باره می‌فرماید: «باید از تفرقه پرهیز کرد، چه این که افراد تک‌رو و جدانشده، دست‌خوش امیال شیطانی می‌شوند، همانند گوسفند تک‌افتاده از گله که طعمه گرگ می‌گردد».^۴ بنابراین حضرت در شورای شش نفره به اتحاد

۱. رک: یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۵.

۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۱۱۳.

۳. ملک جعفریان، «بررسی نظریات مربوط به فرآیند تصمیم‌گیری و انتخاب استراتژی»، ص ۷۳.

۴. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷.

جامعه اسلامی توجه داشتند؛ چنان که در سقیفه عمل کردند. اگرچه ایشان شرط عبدالرحمان با عثمان را نیرنگی بیش نمی‌دانست، بیعت کرد و عملاً جلوی اختلاف و دودستگی را گرفت. تلاش‌های امام علیه السلام برای تقویت وحدت تا حدی است که می‌توان ایشان را پایه‌گذار وحدت دانست. خود حضرت هم به این موضوع تصریح کرده، می‌فرماید: «هیچ کس به اندازه من حریص بر وحدت و اتحاد امت نیست».^۱

۴-۳. پذیرش تصمیم توسط مجریان

هر چقدر یک تصمیم بیشتر مورد پذیرش مجریان قرار گیرد ضریب اجرا و تعهد کارکنان افزایش می‌یابد.^۲ قطعاً تصمیم امام به «رد شرط عبدالرحمان» نسبت به «پذیرش آن» طرفداران بیشتری داشته است؛ هم در بین مجریان سیاست و هم در بین سایر مسلمانان (اعم از پیروان و مخالفان حضرت). مجریان از این جهت راضی بودند که راه را برای خود باز دیدند که می‌توان این را از جهت‌گیری اعضای شورا دریافت. از طرف دیگر، قبول شرط شورا با موضع قبلی امام مبنی بر انتقاد از سیره خلفا منافات داشت و این دوگانگی در عملکرد علاوه بر این که با شخصیت ایمانی و تقوای امام علی علیه السلام سازگار نبود، نمی‌توانست طرفداران و شیعیان حضرت را نیز راضی کند؛ یعنی کسانی که امام را به خاطر یک‌رنگی و دوری از نیرنگ و فریب انتخاب کرده بودند. پس می‌توان گفت تصمیم امام در شورا، پذیرشی همگانی یافت.

۴-۴. زمان اتخاذ تصمیم

برای ارزیابی یک تصمیم، زمان عامل مهمی است. ممکن است یک تصمیم در حال حاضر نامناسب ارزیابی شود ولی در زمان خود بهترین تصمیم بوده باشد.^۳ زمانی که امام

۱. نهج البلاغه، نامه ۷۸.

۲. جعفریان، تاریخ سیاسی اسلام (تاریخ خلفا)، ص ۷۳.

۳. همان.

تصمیم گرفت در مجلس شورا شرکت کند و عهده‌داری خلافت با شروط عبدالرحمان را رد کند، با اقبال مردمی همراه نبود. از همین رو ایشان با خواست مردم همراه شد و از گرایش مسلمانان در انتخاب خلیفه پیروی کرد و طبق دستور پیامبر ﷺ عمل نمود که توصیه کرده بود:

ای پسر ابی طالب! زمامداری امت من حق توست. پس اگر مردم تو را بدون نزاع ولایت دادند و با رضایت بر تو جمع شدند، در امر حکومتشان قیام کن و اگر درباره تو اختلاف کردند، به حال خودشان واگذار. خدا هم برای تو مفتری قرار خواهد داد که مسؤولیت نداشته باشی.^۱

امام علت این بیعت را - آن چنان که در خطبه‌هایش متذکر می‌شود - حفظ وحدت جامعه اسلامی و احترام به رأی مردم می‌داند و قیام در شرایط زمانی و اوضاع نامساعد را چیدن میوه کال از درخت یا زراعت در زمین دیگری می‌داند.^۲ بنابراین صبر می‌کند و با زمان کار می‌نماید تا خود مردم به طور طبیعی و آگاهانه پس از تجربیات بسیار و آزمودن دیگران به سوی او بشتابند و زمانی حجت را برای قبول خلافت و رهبری سیاسی مردم بر خود تمام می‌بیند که مردم حاضر و ناصر شوند.^۳

نتیجه

یکی از اساسی‌ترین تصمیمات سیاسی امام علی علیه السلام تصمیم به شرکت در جلسه شورا و رد شرط عبدالرحمان بن عوف است؛ یعنی رد عمل بر طبق سیره شیخین. ایشان به

۱. ابن طاووس، کشف المحجّه، ص ۱۸۰.

۲. رک: نهج البلاغه، خطبه ۵.

۳. بازرگان، شورا و بیعت، ص ۵۶.

واسطه این تصمیم، یک دوره سیزده ساله از خلافت و رهبری مستقیم جامعه اسلامی دور ماند. با بازخوانی این واقعه در ساختار نظریه تصمیم‌گیری سایمون اولاً مشخص شد که تصمیمات پیشین خلیفه دوم و اعضای شورا می‌تواند در قالب مدیریت سازمانی سایمون به شکل نظام‌مند مورد بررسی قرار گیرد. در این پژوهش تبیین شد که عواملی چون نحوه آموزش، تقسیم کار و روش کار و ارتباطات و اختیار، همان طور که در تصمیم‌گیری مدیریتی یک سازمان مؤثرند، سازماندهی جلسه شورا را هم تحت تأثیر قرار داده و در تصمیمات اعضا رسوخ کرده است. ثانیاً روشن شد که تصمیم‌گیری حضرت طی پروسه چهار مرحله‌ای جمع‌آوری اطلاعات، تحلیل و بررسی آن اطلاعات، انتخاب بهترین راه حل و در نهایت اجرای تصمیم انجام گرفته است؛ بنابراین اتخاذ تصمیم ایشان به شکلی کاملاً منسجم بوده است. و تبیین شد که عوامل روان‌شناختی، اجتماعی - فرهنگی و داخلی با تکیه بر ارزش‌های مورد قبول حضرت، در تصمیم ایشان برای کناره‌گیری از خلافت بی‌تأثیر نبوده است. در بخش دیگر برای ارزیابی میزان کارایی تصمیم حضرت علی علیه السلام، مولفه‌هایی چون تحقق هدف، کیفیت عینی و پذیرش توسط دیگران و محدودیت‌های زمانی مورد توجه قرار گرفت که نشان می‌داد امام علیه السلام در آن مقطع زمانی کارآمدترین تصمیم را که ضامن حفظ اتحاد و حفاظت از اصل اسلام بود، اتخاذ کرده است.

منابع

* نهج البلاغه

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: بی نا، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن اثیر جزری، علی، الکامل فی التاریخ، بیروت: ۱۴۰۹ق.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی، کشف المحجّة لثمره المهجّة، مکتب الإعلام الإسلامی، (کتابخانه مجازی مدرسه فقاہت)، بی تا.
۴. ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینة دمشق، دمشق: مجمع اللغة العربية، ۱۳۹۸ق.
۵. ابن عقده کوفی، احمد بن محمد، فضائل أمير المؤمنين عليه السلام، تحقیق حرزالدین، عبدالرزاق محمد حسین، قم: دلیل ما، ۱۴۲۴ق.
۶. ابن قتیبه دینوری (۲۷۶ق)، امامت و سیاست، ترجمه سید ناصر طباطبایی، تهران: ققنوس، ۱۳۸۰.
۷. استونر، جیمز و دیگران، مدیریت، ترجمه علی پاریسیان و سید محمد اعرابی، تهران: انتشارات دفتر پژوهش های فرهنگی، ۱۳۷۹.
۸. اسکویی، اکبر بهروز، «فرآیند تصمیم گیری و سیستم های اطلاعات مدیریت»، قسمت اول، فرهنگ و تعاون، ش ۲، ص ۴۲-۴۶، ۱۳۷۶.
۹. الوانی، مهدی، تصمیم گیری و تعیین خط مشی دولتی، دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۱.
۱۰. بازرگان، عبدالعلی، شورا و بیعت، دوم، انتشارات شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۸.
۱۱. بشیریه، حسین، نظریات جدید در علم سیاست، اول، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی دانشگاه امام صادق عليه السلام، ۱۳۷۳.
۱۲. بلاذری، احمد بن یحیی، جمل من انساب الاشراف، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۷ق.
۱۳. تفتازانی، مسعود بن عمر، شرح المقاصد، اول، قم: الشریف الرضی، ۱۴۰۹ق.
۱۴. جعفریان، رسول، تاریخ سیاسی اسلام (تاریخ خلفا)، دلیل ما، ۱۳۹۲.

۱۵. جوادی آملی، مرتضی، «نحوه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در مدیریت اسلامی»، مدیریت دولتی، ش ۲، ص ۱-۱۰، ۱۳۷۲.
۱۶. داودی، سعید، عاشورا ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها، پیامدها، قم: امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۸۸.
۱۷. درون‌پرور، داوود، «تصمیم‌گیری مدیران و رهبران در شرایط بحران»، مجموعه مقالات همایش تصمیم‌گیری مدیران در واحد فیروزکوه، ۱۳۸۳.
۱۸. دوئرتی، جیمز و فالتز گراف، نظریه‌های متعارض در روابط بین الملل، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، قومس، ۱۳۷۲.
۱۹. رحمان سرشت، حسین، مشاهیر مدیریت هربرت سایمون: رفتار اداری و تصمیم‌گیری، فصلنامه مطالعات مدیریت.
۲۰. سایمون، هربرت الکساندر، رفتار اداری: بررسی در فراگردهای تصمیم‌گیری در سازمان اداری، ترجمه محمدعلی طوسی، اول، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۱.
۲۱. سبحانی، جعفر، فروغ ولایت، چهاردهم، قم: موسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۴.
۲۲. سیف‌زاده، حسین، نظریه‌پردازی در روابط بین الملل مبانی و قالب‌های فکری، تهران: سمت، ۱۳۷۶.
۲۳. شهرآبادی، ابوالفضل و ندا بشیری، «هربرت سایمون متفکری نوآور»، مجله بورس اقتصادی، ش ۸، ص ۶۲-۶۵، ۱۳۸۶.
۲۴. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر، ۱۳۷۵.
۲۵. طوسی، محمدعلی، مشارکت در مدیریت و مالکیت، تهران: مرکز آموزش و مدیریت دولتی، ۱۳۷۰.
۲۶. علاقه‌بند، علی، مقدمات مدیریت آموزشی، بیست و ششم، تهران: بعثت، ۱۳۸۳.
۲۷. غلامی، یوسف، «امام علی علیه السلام صبوری»، فرهنگ کوثر، ش ۳۲، ص ۴۷-۵۰، ۱۳۷۸.
۲۸. فلاح‌زاده، محمدهادی و راضیه علی‌اکبری، «شیوه مدیریت حضرت علی علیه السلام در جامعه اسلامی عصر خلفا»، مذاهب اسلامی، ش ۶، ص ۱۱۷-۱۳۱، ۱۳۹۵.

۲۹. محمدی ری شهری، محمد، دانش نامه امیرالمؤمنین علیه السلام بر پایه قرآن و حدیث، چهارم، قم: دارالحدیث، ۱۳۹۲.

۳۰. معاونت توسعه مدیریت و منابع انسانی، اصول تصمیم سازی و تصمیم گیری، مرکز نوسازی و تحول اداری (جهاد کشاورزی)، ۱۳۹۱.

۳۱. مفید، محمد بن نعمان، الارشاد، قم: بصیرتی، بی تا.

۳۲. ملک جعفریان، روح الله، «بررسی نظریات مربوط به فرآیند تصمیم گیری و انتخاب استراتژی»، ماهنامه کار و جامعه، ش ۱۶۲، ص ۶۷-۷۳، ۱۳۹۲.

۳۳. ملکی، عباس، آشنایی با فرآیند تصمیم گیری و انواع مدل های آن، مدیریار، ۱۳۹۶.

۳۴. مهدویان، اکبر، «تصمیم گیری در مدیریت»، مدیریت و توسعه، ش ۱۷ و ۱۸، ص ۵۲-۶۸، ۱۳۶۹.

۳۵. یعقوبی، ابن واضح، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، بی تا.

37. SIMON, HERBERT ALEXANDER, *THE NEW SCIENCE OF MANAGEMENT DECISION*, NEW YORK AND EVANSTON: HARPER & ROW PUBLISHER, (1960).

